

خدایا ما را ببخش ...

خدایا، نعمت‌های بی‌شمارت را که قرار بود شاکر آن باشیم، به دست خود پایمال کردیم و کفران نعمت نمودیم. اما تو بر ما صبوری کردی و خطاهای مان را به دیده‌ی اغماض گرفتی.

سلامتی و تندرستی را که یکی از بهترین موهبت‌های تو بود نادیده گرفتیم و به بیماری و ناخوشی مبتدل ساختیم. گندم دادی، برشته‌اش کردیم. انگور دادی، شرابش نمودیم. احشام دادی و احشاء آنها را سوسیس و کالباس کردیم و به خورد روده‌هایمان دادیم و بعد شیر، این غذای کامل و مغذی تو را به پنیر پیتزا تبدیل کردیم تا از کورس سرطان عقب نمانیم. به مرغ و خروس‌های اهدائی‌ات هورمون زدیم تا پروارتر و پربارتر شوند بی آنکه به محصول آن بیندیشیم.

انجیر، این میوه‌ی قسم خورده شده را به شیر و افزودنی‌های متعدد آغشته کردیم تا ماه‌ها در مغازه‌ها و فروشگاه‌ها جا خوش کند، بی آنکه به سلامت مصرف آن بیندیشیم کنیم. زیتون مقدس تو را به انواع آنچه در اختیار داشتیم پروراندیم و در قوطی‌های بزرگ و کوچک سوپرمارکت‌ها زندانی کردیم تا در فرصت مناسب و در هر فصلی آن را به پول نزدیک‌تر کنیم. فارغ از آنکه چه تاثیری بر سلامت بدن خواهد داشت.

درختان سبز و سر به فلک کشیده‌ی اهدائی‌ات را از ریشه در آورديم و جای آنها انواع میل گرد و تیر آهن کاشتیم تا مبادا خورشید، با روشنایی‌اش در میان ما خودنمایی کند.

حیات زیبای مادر بزرگ و حوض آبی و قشنگش را میان آپارتمان‌های سر به فلک کشیده محصور کردیم تا به خورشید اجازه‌ی عرضه‌ی مجانی ویتامین دی را در بازار حیات مان ندهیم.

پای راه رفتن مان را به زیر ماشین‌های رنگارنگ، چرخ کردیم تا بر سرعت مان به سمت بی‌حرکی و افزایش وزن شتاب دهیم. مغزهای مان را کوچک کردیم تا معده‌های مان بزرگ بمانند، مبادا برای تهیه‌ی اسید به بازار اجنبی روی آوریم.

فضاهای حقیقی‌ات را مجازی کردیم تا مبادا روحمان از جسم درب و داغان مان عقب بیفتد.

خدایا ...

وفا کردی، جفا کردیم

عطا کردی، خطا کردیم

ساختی، سوختیم

اکنون وقت هدایت است، اکنون وقت بخشش است.

خدایا ما را ببخش که آنچه کردیم، به خود کردیم.

■ دکتر سید محمد طباطبایی